

خواجه نصیر الدین طوسی

و رصد خانه مراغه

در قرن هفتم هجری حادثه بزرگی در سرتاسر ایران روی داد و سبب شد لطمه جبران ناپذیری با آبادی و جمعیت و فرهنگ ایران وارد آید. و آن سانه میل بنیان کن حمله مغولان بود که از دامنه تبت سرازیر شد و در اندک مدتی مرو و بخارا و نیشابور را بروز سیاه نشاید و تمام آثار فرهنگی ایرانیانرا از بین برد سپاهیان مغول بهر کجا که هجوم آوردند برپیر و جوان زن و مرد، عالم و عارف رحم نکرده همه را از دم تیغ جفا گذراندند و شکم اطفال شیرخوار را با سر نیزه های خودشان پاره کردند در بعضی شهرها چندین بار قتل عام کردند حتی حیوانات را باقی نگذاشتند.

ملت ایران بملت فساد اخلاق و اختلاف عقیده که در آن عصر مانند امروز گریبان گیر همه طبقات شده بود در هیچ نقطه نتوانستند مقاومت کند پناه گران تاتار از شهری بشهر دیگر رهسپار میشدند و بقول آن عارف روشن ضمیر ملکی جلوی آنها حرکت میکرد و ندا میداد: ایها الکفره اقتلوا الفجره

نزدیک بود ملت ایران برای ابد از ردیف ملل زنده خارج و جزو اقوام باستانی مانند فینیقی ها و آشوریها بشمار آید. ولی چون ایرانی میهن پرست در مقابل هجوم سیل بلا و گرفتاری تحمل نموده سرانجام وقت مناسبی بدست آورده با تدابیر سیاسی از اوضاع و احوال بنفع خود استفاده می نماید با شکل و صورت مختلف در قوم مهاجم نفوذ معنوی پیدا کرده فرهنگ ایرانی را بدست فاتحین بواج میدهد در نتیجه استقلال و شئون ملی خود را نگاه میدارند در این بلوی بزن بوغ ایرانی کارگر آمد و از میان گردباد حوادث دانشمند نایب از فرزندان این آب و خاک قیام کرده توانست مغول خونخوار را تحت سیطره و نفوذ خود قرار بدهد و از شدت حمله خانان سوز سپاهیان تاتار جلو گیری کند. آن راد مرد ابو جعفر محمد بن محمد بن حسن معروف بخواجه نصیر الدین طوسی (متولد ۵۹۷ و متوفی ۶۷۲) میباشد که با اتفاق کلیه مورخین آن عصر بر عقل هولاکو چیره شد و تا میتوانست از قدرت و تسلط او بنفع کشور عزیز خود استفاده نموده و بجهان علم و ادب و ترویج مذهب

حقه اتنی عسری خدمت بزرگی انجام داد.

دانشمند طوسی در آنصغر تاریخ و پر آشوب با وجود آنهمه انقلابات و خونریزیها دقیقه می از اشاعه علم کوتاهی نکرد. ستارگان علم و ادب را که مانند بنات النعش در حال تفرقه و افول بودند جمع آوری کرد و مسائل فراغت آنها را از هر حیث فراهم آورد و کتابخانه که دارای چهار صد هزار جلد کتب که از بنه ادو شام و موصل بشارت رفته بود و در معرض فنا بود تأسیس نموده و در شهر مراغه دانشگاهی برپا نمود که دانشجویان با کمال اشتیاق از بلاد بیدیه بآن مدینه علم و کیمه حکمت روی می آوردند و انواع علوم و فنون را نزد استادان ماهر و متخصص فرا میگرفتند.

عظمت روحی نایفه طوسی نشاط مخصوصی در قلب دانشوران رنج دیده و آواره از وطن ایجاد کرده و سبب شده بود تمام مشقات و صدمات و خانمانسوزی را در طاق نیان گذاشته بسا شوق و آفری در آنندینه فاضله بدرس و بحث اشتغال ورزند.

مجلس درس محقق طوسی شکوه و ابهت مخصوصی داشته تمام استادان و دانشوران در محضر استاد کل حاضر شده مصلحت هر علمی را مطرح نموده با تبادل افکار و سعه اطلاع استاد کل حل میکردند.

افاضه و استفاضه دانشمند طوسی منحصر بحوزه علمیه مراغه نبوده بلکه از فواید مکاتبات و مراسلات او علما و فضلاء اطراف جهان بهره مند میشدند.

تالیفات این دانشمند در فنون مختلف بخصوص در ریاضیات و الهیات همیشه مطمح نظر علمای فن بوده و تاکنون در مدارس قدیم اسلامی جز کتب درسی بشمار میآید بزرگترین اثر علمی خواجه طوسی ایجاد رصد گاه مراغه میباشد که در نتیجه این خدمت فلکی مهم، از دانشمندان جهانی بشمار آمده و یکی از کوههای ماه بنام او موسوم گردیده است در این مقاله اجمالا از این اثر ابدی محقق طوسی بحث میشود.

رصد خانه مراغه

در سبب تأسیس رصد گاه مراغه مورخین اختلاف کرده اند. مؤلف جامع التواریخ رشیدی می نویسد: «منکوقا آن از پادشاهان مغول بهوش و کیاست فوق العاده امتیاز داشت چنانکه بعضی اشکال اقلیدس را بشخصه حل میکرد خواست که در عهد اورصدی بنا شود فرموده تا جمال الدین محمد بن طاهر بن محمد زهدی بغاری بآن قیام نماید ولی او قادر بآنجام آن کار نشد.

منکوقا آن چون آوزاء فضل و استادی خواجه نصیر الدین طوسی را شنیده بود هنگام فرستادن هولاکو بایران دستور داد که بعد از تسخیر قلاع ملاحظه

خواجه را بدربار اوراوه دارد تادر مغولستان بنای رصد خانه کند ولی موقیقه خواجه مستخلص شد منکوتان بفتح چین جنوبی اشتغال داشت هولاً کواچین صلاح دید اینکار در ایران وبفرمان او صورت پذیرد .

عبدالله بن فضل اله صاحب و صاف العضرة و هدمی معتقدند که خود خواجه ایلخانرا بدین امر جلیل دعوت کرد ابتدا هولاً کو مایل نبود و پرسید فائده علم نجوم چیست آیا چیزی که وقوعش حتمی است بر طرف میکند ؟ دانشمند طوسی باز کر مثالی او را قانع ساخت و گفت پادشاه امر فرماید یک نفر طشت بزرگی از مس را از بالای عمارت بیندازد پائین بدون اینکه قبلاً اهل مجلس آگاه باشند . هولاً کو امر کرد تا بفرموده او عمل کردند هنگامیکه طشت از بالا افتاد و صدای هولناکی در آنحوطه پیچید تمام اهل مجلس وحشت کردند بجز هولاً کو و خواجه طوسی که از قضیه مستحضر بودند محقق طوسی اظهار داشت فائده علم نجوم اینست که حوادث را پیش از وقوع بیان میکند در نتیجه مردم دچار وحشت واضطراب نمیشوند هولاً کو تعسین کرد و فرمود تا باین امر اهتمام ورزد

دانشمند طوسی بهولاً کو اظهار داشت که بنای رصد جدید و اوشنن زیبی تازه قریب سی سال مدت لازم دارد ولی ایلخان اصرار کرد در مدت دوازده سال انجام پذیرد و چون در اینمدت رصد جمیع کواکب وحساب دوره آنها و تهیه جداول تازه مقدور نبود خواجه طوسی بدستگیری جداول و زیجهای سابق در سال ۶۵۷ شروع به ترتیب زیج جدید کرد و در اینکار غیر از متجمین اسلامی که از اطراف احضار شده بودند یک نفر دانشمند چینی نیز درمراغه حضور داشت و او در ترتیب زیج چینی معمول آن قوم کمک شایان تمجیدی کرد .

محل رصد خانه

محلی که برای رصد خانه انتخاب شد تلی است که در طرف شمال غربی شهر مراغه واقع میباشد و اکنون برصد دافی معروف است و بدستور دانشمند طوسی فخرالدین ابوالسعادات احمد بن عثمان مراغی معمار معروف آن عصر مأمور ساختمان وسیع و باشکوه رصدخانه گردید و برای مصارف آن علاوه بر کمکهای مالی که از خزانه دولت میشد اوقاف سرتاسر کشور در اختیار خواجه طوسی گذاشته شد تا از محل عوائد آن مخارج رصدخانه تأمین شود . محقق طوسی دوبار یکی در سال ۶۶۲ و دیگری اندکی قبل از فوت خود بیهداد رفت تا اموراوقاف را تحت نظر بگیرد و پس از وضع مخارج و مستحریات مازاد آنرا برای انجام عمل رصد ضبط کند و در ضمن این سفرها آنچه کتاب وآلات رصدی لازم میدانست از اطراف جمع نمود .

هولاً کو و بعد از او ابانباخان در تهیه اسباب این امر و جلب علما کوشیدند تاریخ مراغه بیابان رسید ولی هنوز بنای رصدخانه تکمیل نشده بود که این دانشمند

بزرگوار از دنیا رفت و پس از فوت او صدرالدین پسر بزرگش اداره رصد را بهیچه گرفت و بعد از مرگ وی اصیل الدین قائم مقام پدر و برادر شد کم کم رصدخانه از رونق افتاد و بتدریج مهروک ماند امروز جز خرابه‌های آن چیزی دیگری بجای نیست .

در سال ۱۲۷۶ هجری قمری که ناصرالدین شاه بمرآغه وارد میشد فرهاد میرزا و احمد حکیمباشی و آخوند ملا علیمحمد اصفهانی برای بازدید تل میروند و نقشه آنرا بادقت تمام بر میدارند شرح این مسافرت را مرحوم اعتضاد السلطنه در پشت کتاب شرح آلات رصدی مرآغه تألیف مؤید الدین عرضی که اکنون در کتابخانه دانشکده علوم معقول و منقول موجود است چنین مینویسد :

این رساله شریفه که از مؤیدالدین عرضی است شرح آلات و ادوات رصد مرآغه را بیان فرموده جناب استاد کل غیث الدین جمشیدتانی ملا علیمحمد اصفهانی در شهر رمضان هنگام توقف در دارالغلافه بخط شریف بیادگار نوشته و در چمن سلطانیه تسلیم نموده فی الحقیقه این نسخه شریف چون بخط ایشانست خیلی نفیس شده و مرا در ایام فراغت بهترین مجلس حال التحریر که بیست و هشتم صفر المظفر است عزم بر این مرحله جزم شد که علی الصباح در خدمت نواب اشرف والا نایب الایاله فرهاد میرزا ادام الله اجلاله و اتفاق استاد کل و جناب میرزا احمد حکیمباشی زید فضلما برسد گاه مرآغه رفته نسخه را حاضر ساخته که از شرح و بسط وی درست آگاه شده هنگام ورود و سیاحت بسابصر هاشم این چند کلمه مرقوم گشت در مرآغه ۱۲۷۶ علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه .

آلات رصدی مرآغه

صاحب الضمه خصوصیات رصدخانه مرآغه را بدینگونه توصیف کرده است .

... و در مرآغه از طرف شمالی برپشته رفیع رصدخانه بنا فرمود در کمال آرامستگی و ذلک فی شهور سنه سبع و خمسين و ستاوه و صنوف دقایق حکمت و حداقت در فن نجوم و مهارت در علم هیئت و مجسطی و ارساد کواکب بجای آورد و تماثل مثلثات افلاک و تدویرات و حوامل و دوائر متوجه و معرفت و تقاویم، منقود و مکفّت کرد و منازل ماه و مراتب بروج دوازده گانه برهیاتی ساخته شد که هر روز عند طلوع الشمس بر تو تیر اعظم از نقبه قبه بالائی بر سطح عقبه می افتاد و درج دقایق حرکت وسط آفتاب و کیفیت ارتفاع در فصول اربعه و مقادیر ساعات از آنجا معلوم میشد و شکل کره زمین در نهایت دقت نظر برپسرداخت و بغشش ربع مسکون بر اقالیم سبع و طول ایام و عرض بلد و ارتفاع قطب شمالی در مواضع و صورت وضع و اسامی بلدان و هیئت جزائر و دریاها و روشن و مبرهن گردانید چنانکه گویی کتاب مسالك و ممالک از نسخه حواشی آن فراهم آورده اند و زیج

حسابی بنام پادشاه تصنیف کرد و چند جدول و نکات حسابی که در دیگر زیجات متقدمان چون کوشیار و فاخر و علائی و شاهی و غیرها موجود نبود در افزود ... مؤید الدین عرضی در کتابی که در شرح آلات رصدی مراغه نوشته است در مقدمه چنین میگوید :

... متقدمین آنچه آلات رصدی ساخته بودند یا محکم نبود یا ظرافت نداشت و بواسطهٔ سوء هیئت ساختن آن مشکل بود لذا از اغلب آنها صرف نظر کردیم عده‌ای که خوب بود انتخاب شد و بعضی دیگر که ناقص بود تکمیل گردید ما بقی از مخترعات خود ما است بطوریکه از آن کتاب استفاده میشود ادوات مشروحه زیر و هیئت علیه رصد خانه مراغه اختراع نموده اند :

۱- ربع که پیشینان لینه میگفته اند : این آلت از ربع دایره و عضاده تشکیل گشته و با آن میل کلی و ابعاد کواکب و عرض بلد را رصدی نموده و بر سطح دیوار شمالی و جنوبی نصب شده بود این آلت کاملتر از لینه است که از مخترعات بطلمیوس میباشد

۲- ذات العلق : این آلت از پنج حلقه ساخته شده بود باین ترتیب الف-دائرة معدل النهار که بزمین نصب شده بود.

ب-دائرة معدل النهار-ج-دائرة منطقة البروج . د-دائرة عرض . ه-دائرة میل .

و این آلت از ذات العلق ششگانهٔ بطلمیوس و نه حلقه شاون اسکندرانی جامعتر بوده است

۳- ذات العجب و السمیت که برای تعیین ارتفاع در جهات مختلف بکار برده میشد

۴- ذات الجيوب و السمیه که برای جهات یابی ساخته شده بود.

۵- ذات الربیعین .

۶- ذات الاسطواناتین .

۷- دائرة شمسه که با آن سمت کواکب معلوم میشد .

هیئت علمیه رصد خانه

عدهٔ زیادی از ریاضی دانان و علمای هیئت در رصد خانه مراغه شرکت کردند ولی سرآمد آنها چهار نفر بود که دانشمند طوسی در مقدمه زیج ایلخانی از آن ها اسم برده و چنین میگوید . «... من بنده کمترین نصیر که از طوسم بولایت ملحدان افتاده بودم از آنجا بیرون آورد و رصد ستارگان فرمود و حکماتی که رصد میدادند چون مؤید الدین مرضی بدمشق بود و فخرالدین مراغی که بموصل بود و فخرالدین اخلاطی که بتفلیس بود و نجم الدین دیران که بقزوین بود از آن ولایتها بطلبید و زمین مراغه را رصد اختیار کردند و به آن بتدگی مشغول شدند ... »

شرح مختصری از زندگی این چهار نفر و سه نفر دیگر که در امر رصد کمک موثری کرده اند و در درجهٔ دوم اهمیت قرار دارند در اینجا آورده میشود

۱ - مؤیدالدین بن برمک بن مبارک عرضی دمشقی : این دانشمند در علم هندسه و آلات رصدی سرآمد اقران بوده است و از حکمت و فلسفه نیز بهره کافی داشته در دمشق از ندماء ملک منصور پادشاه حمص و نجم الدین لیبودی وزیر او بوده است و برای این پادشاه یک آلّت رصدی ساخته بود موسوم بآله کامله که با آن تمیین ارتفاع و جهات میشد .

برای شرکت در امر رصد بامر مولانا که از دمشق احضار شد کتابی در شرح آلات رصدی مراغه نوشته و در اول آن از مقام علمی و ملکات فاضله مضفّق طوسی ستوده است دانشمند طوسی هم در اول کتاب بقاء النفس که بنا بخواهش مؤیدالدین تالیف نموده است از او تمجید بسیار کرده است . دیگر از تألیفات او رساله ایست در کیفیت ساختن کره کامل . این دانشمند در مراغه بسال ۶۶۴ بمرض ناگهانی درگذشت .

۲ - نجم الدین علی بن عمر بن علی قزوینی معروف بکاتبی و دبیران از علمای ریاضی و رصد و از حکما و فقهای شافیه بوده دو کتاب معروف دارد یکی حکمت‌الین در فلسفه و دیگری شمسیه در علم منطق که بنام خواجه شمس الدین محمد صاحب دیوان جوینی نگاشته است . و تاکنون از کتب درسی طلاب علوم دینی محسوب میشود . کاتبی در قزوین تدریس میکرده و دانشمندان بزرگ مانند قطب الدین شیرازی در مجلس درس او حاضر می شدند . این دانشمند در سال ۶۵۷ در گذشت .

۳ - فخرالدین ابواللیث محمد بن عبدالملک بن ابی العارث بن سهیم مراغی این دانشمند در علم هندسه و هیئت بد طولانی داشته بسیاری از کتب ریاضی را بخط خودش استنساخ نموده همیشه مایل بوده وقت خود را بکتابت و مطالعه مصروف دارد و کمتر با مردم معاشرت میکرد هر موقع از کار علمی خستگی احساس میکرده در باغ شخصی خودش تفریح می نمود و گاهی بفلاحت مشغول می شد ولادت این دانشمند در سال ۵۷۳ و وفاتش در سال ۵۶۷ در شهر اصفهان اتفاق افتاده است .

۴ - فخرالدین اخلاطی شرح حال این دانشمند در کتب رجال و تراجم احوال بدست نیامد فقط ابن فوطی ترجمه حال دانشمندی را بشرح زیر آورده است در کتاب مجمع الاداب فی معجم الاسماء و الالقب که منطبق با این بزرگوار می باشد همین ترجمه اینست :

فخرالدین ابوالرضا حیدر بن ابی طالب محمد بن احمد بن حسن بن آهنگر یهودشتی یا (رویدشتی)

یکی از علماء هیئت علمیه پنج نفری میباشد که در سال ۶۵۷ زمان پادشاهی هولاکو در امر رصد مراغه همکاری نمودند و رئیس آنها نصیرالدین طوسی بود چهار نفر دیگر فخرالدین اخلاطی - فخرالدین مراغی - مؤیدالدین عرضی نجم -

الدین قزوینی بودند که برحسب انتصاب خواجه طوسی این چهار نفر با عده دیگر بامر هولاکو از شهرها احضار شدند

فخرالدین در علم اصول و ادب و طب نیز دانا بود و مدتی امور قضائی تفلیسی با توابع برحسب تقاضای خودش باوتفویض شد و بصحبت شیخ اوحدالدین کرمانی نائل آمد و بدست او خرقة تصوف پوشید .

تردید از اینجا ناشی میشود که ابن فوطی این دانشمند را یهودستی یا رویدشتی که از توابع اصفهان میباشد معرفی میکند در صورتیکه فخرالدین سکه در امر رصد مراغه شرکت داشته باخلاطی معروف است .

مسکن است زادگاه او رویدشت بوده ولی نشو و نمایش در خلاطیه باشد از این جهت باخلاطی معروف شده چنانکه اصل خواجه طوسی از جهروود ساوه بوده و چون در شهر طوس بزرگ شده از اینرو بخواجه طوسی معروف شده است

۵- قطب الدین ابوالثنا محمود بن ضیاء الدین مسعود بن مصلح کازرونی این دانشمند از خاندان علم و فضل بود پدر و عم او شغل طبابت داشتند خود او نیز در اوایل حال مدت ده سال در بیمارستان شیراز بجای پدر طبابت کرده و بطوریکه در اول کتاب شرح کلیات قانون میگوید نفس او اربا داشته از اینکه بحدود معلومات متداول طبی که از پدر یاد گرفته بود اکتفا بکند و خواست بدرجه عالی و مقام رفیع این فن نائل آید از اینرو مدتی نزد دو نفر از اطباء حاذق آن ناحیه بفرار گرفتن مشکلات قانون و تکمیل علم طب اشتغال ورزید ولی آن ها هم نتوانستند چنانکه شاید و باید دقائق علم پزشکی را روشن کنند تا اینکه در سال ۶۵۸ بقول خودش به شهر علم و کعبه حکمت یعنی آستانه قدس استاد عالی مقام خواجه نصیرالدین طوسی مشرف شده و برخی از مشکلات کتاب قانون را آن دانشمند برای او حل کرد

بعلاوه علوم ریاضی را نیز از آن بزرگوار یاد گرفت و علم منطق را از نجم الدین کاتبی قزوینی و علم هیئت و اشکال هندسی را از مویلدین عرضی فرا گرفته و جمیع کتب درسی را بقطب خودش نوشت بعد بسیرافاق و افس برداشته بیلاذ خراسان و عراق عرب و عراق عجم و مصر مسافرت نمود و از دانشمندان هر کشوری دقائق فنون عصر خود را یاد گرفت مخصوصاً علم طب را در مصر تکمیل کرد و در سال ۶۸۲ شروع بشرح کلیات قانون بوهلی نمود مدتی شغل قضائی مردم باوتفویض شد و در شهر سیواس اقامت کرد .

در سال ۶۸۱ علامه شیرازی که قضای سیواس بود از جانب احمد بن هولاکو که پس از فوت برادرش بسطنت رسیده و دین اسلام را پذیرفته بود با عده ای بسفارت مصر فرستاده شد تا تشریف او را بدین اسلام بملك منصور قلاون پادشاه مصر اعلام داشته و برای برقراری صلح بین مسلمین و تاجار مذاکره نماید

از آنجمله شرح حکمته الاشراف - ترجمه تصویر اقلیدس - شرح کلیات قانونت
 نهاية الادراک - تصفه شاهی - مصباح المفتاح درة التاج تاکنون مورد توجه علمای
 اسلامی قرار گرفته است

ولادت این دانشمند در سال ۶۳۰ بوده و وفاتش در سال ۷۱۰ در
 شهر تبریز اتفاق افتاده است . این رباعی را در فوت علامه شیرازی ماده تاریخ
 گفته اند .

بازمی کرد چرخ کج رفتار وزمه روزه آه از آن بساری
 ذال و یارفته از گه هجرت رفت در پسرده قطب شیرازی

۶ - معی الدین مقرئی - این دانشمند در علوم ریاضی و هندسی و کارهای
 رصدی اطلاع کافی داشته است علت آمدن او بمرآغه بطوری که خودش برای
 ابن هبیری در شهر مرآغه نقل کرده و او در کتاب مختصر الدول آورده چنین
 بوده است .

ابن عبیری گوید معی الدین گفت در بیست و چهارم شوال سال ۶۵۸ خدمت
 ملك ناصر پادشاه دمشق بودم و با هم صحبت میکردیم ناگهان یکی از سراف
 لشکر مغول با پنجاه نفر وارد شد ملك ناصر بیرون رفت و بآن ها تکلیف کرد
 از اسب پائین آمده و داخل خیمه شوند امیر آن ها امتناع و وزید و گفت ابلفان
 فرموده امروز روز شادی ما میباشد و از امرا دعوت شده و دستور فرموده شما
 هم با برادر و فرزندان خودتان در این جشن شرکت بکنید
 ملك ناصر با بیست نفر از خوبشان خود سوار شده در مصاحبت آن امیر
 رفتند و پس از یکساعت بیست نفر دیگر از مامورین مغول رسیدند و گفتند
 بجز فراشها و غلامان بقیه مردم نیز بیایند .

معی الدین گفت ماهم سوار شده بهمراه آن بیست نفر رفتیم
 تمام این عده را بردند در وسط دره عینی که کوههای اطراف آن سر بر
 آسمان کشیده بود و از اسب پائین آورده دستهای همه را از پشت بستند و قتیکه
 من این اوضاع را دیدم فریاد زدم من منجم هستم و حرکات بمشارکان می شناسم
 حرفی دارم باید در پیشگاه سلطان عرضه بدارم چون اینسخن را شنیدند مرا از
 آن ها جدا کردند .

۹ - ملك ناصر و اتباع او را کشتند کسی از آنها نجات نیافت مگر پسران
 ملك ناصر که اسیر کردند سپس برگشتند بسکن ملك ناصر و اتباع او هر کس
 باقی مانده بود کشتند و هرچه اموال داشتند غارت کردند بعد ما را بردند پیش
 هولا کو او پسران ملك ناصر را نزد خود نگاه داشت و چون فهمید من در علم هندسه
 و کارهای رصدی اطلاع دارم مرا بخدمت خواجه نصیرالدین طوسی فرستاد .

۷ - فریدالدین ابوالحسن علی بن حیدرین علی طوسی . این دانشمند در
 علم حکمت و عرفان دست قوی داشته و در کارهای رصدی با اطلاع بوده است

این هیئت پس از مدتی بدون اخذ نتیجه باز گشتند تألیفات علامه شه‌آزی در ریاضی و حکمت و طب حاظر اهمیت مییابد و همیشه مطمح نظر دانشمندان بوده است «بقیه در رساله بعد»



این عکس بدیع تاریخی ساختمان قرن هفتم هجری (تقریباً هفتصد سال قبل) میباشد که از کاشی مرقع ساخته شده و در جلوی خواجه سعد اسطرلاب و در حاشیه او برج حمل، نور، جوزالغ نقاشی شده است. این عکس اثر استادان معروف ایرانی است که روی پارچه‌ای قیسی نقاشی شده و اداره مجله چهره‌نما از یکی از مقاله‌های مصر بدست آورده و در شماره ۲۱ سال ۲۸ هجری مجله چهره‌نما گداورده شده که ما آن را از مجله مزبور کیشه نموده در این شماره از نظر خوانندگان محترم میگذرانیم.

در سال ۶۵۷ بمراغه آمده و قتیکه شروع بساختن رصد خانه شد نظر باینکه کار آمد و مورد اعتماد محقق طوسی بود کارهای مهمی باو رجوع میشد . پس از فوت دانشمند طوسی در سال ۶۸۰ به بغداد آمده مدتی در خدمت فرزندش اصیل الدین بسر برده بعد باصفهات مسافرت کرده در آنجا ساکن شد این دانشمند در روز عید فطر سال ۶۹۹ در شهر اصفهان در گذشت .

بزرگانیکه رصدخانه مراغه را بازدید کرده اند

نظر باینکه تاسیس رصدخانه در محافل علمی آن عصر پیدا کرده بود دانشمندان از نقاط دوردست برای بازدید رصد خانه مراغه مسافرت میکردند . ابن فوطی مورخ شهر عراقی کتابی داشته بنام من قصد الرصد یا من قصد الرصد مشتمل بر تراجم احوال دانشمندانیکه از رصدخانه مراغه دیدن نموده و در دفتر مخصوص ابن فوطی مطلبی بعنوان یاد بود نوشته اند

متأسفانه کتاب مزبور از بین رفته فقط در کتاب مجمع الاداب فی معجم الاسماء والالقب که قسمتی از این کتاب در کتابخانه ظاهر به شام بخط خود مؤلف موجود است ابن فوطی در تراجم احوال بعضی از بزرگان اشاره میکند که برای بازدید رصدخانه مسافرت کرده بود و من در کتاب من قصد الرصد شرح حال او را نوشته و نیز کتبی در کتاب فوات الوفيات مشاهدات یکنفر را از رصدخانه مراغه بطور تفصیل بیان میکند و در اینجا به ترجمه حال بعضی از آنها اکتفا میشود .

۱ - علم الدین اسمعیل بن علی بن ابیعبده الاقسانی از خاندان علوی بوده فقه را نزد نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن سعید علی تحصیل کرده و از تاریخ و رجال نیز آگاه بوده گاهی هم شعر میسروده . این دانشمند در شهر ربیع الاخر سال ۶۵۷ بمراغه رفته و رصدخانه مراغه را بازدید کرده است

۳ - قطب الدین ابوالمظفر مبارزین مظفر الدین محمد ایچی از امرا و بزرگ زادگان فارسی بوده مدتی حکومت ایچ و توابع را داشته ابن فوطی گوید در سال ۶۷۰ بمراغه آمد و از رصد خانه دیدن نموه جوانی بود خوش قیافه در رشته ادبیات کار میکرد از او درخواست نمودم در دفتر یاد بود کسانیکه از رصد خانه بازدید کرده اند مطلبی بنویسد بخط خودش نوشت

ساشکره شکرین لعاجة قضاها و شکرا انسا لم تناکد

قضا حاجتی سبحانها متیسراً . فقال امر للصالحات نمود

۳ - ابن شاکر کتبی در کتاب فوات الوفيات می نویسد شمس الدین حریری شرح مسافرت دوست خودش حسن بن احمد حکیم را بمراغه چنین نقل کرد

حسن بن احمد گفت مسافرت کردم بمراغه برای بازدید رصدخانه متولی رصدگاه را در خانه خواجه نصیرالدین طوسی ملاقات کردم جوانی بود فاضل و ادیب و با اطلاع در علم نجوم با او برصد خانه رفتم مرید الدین عرضی و شمس الدین شیروانی و شیخ کمال الدین ایکی و حسام الدین شامی را در آنجا دیدم موید الدین عرضی بمن نقل کرد که محقق طوسی برای ساختمان برصدخانه چندان مال از هولاسکو گرفت که احصاء آنرا غیر از خدا کسی نمیداند بملاوه برای حکما و معاوین و وظائف ماهیانه برقرار ساختن ضمن بازدید از قسمتهای مختلف رصدخانه آلات رصدی زیادی دیدم از جمله ذات العلقی ساخته بودند شامل پنج دائره:

- ۱ - دائره نصف النهار که بزمین نصب شده بود ۲ - دائره معدل النهار
- ۳ - دائره منطقه البروج ۴ - دائره عرضی ۵ - دائره میل دیگر دائره شمسیه بود که با آن سمت کواکب معلوم میشد

زیج ایلخانی

خواجه طوسی پس از اتمام رصد ستارگان نتیجه آنرا در کتابی بنام زیج ایلخانی بفارسی نوشت و آن مشتمل است بر چهار مقاله:

مقاله اول در تواریخ مقاله دوم در سیر کواکب و مواضع آنها از اذحیت طول و عرض مقاله سوم در اوقات مطالع مقاله چهارم در بقیه اعمال نجوم شرحی بر این کتاب نوشته شد که بکشف الحقایق موسوم است.

میرزا غیبات الدین جمشید کاشانی کتابی بنام زیج خاقانی دو تکلمه زیج ایلخانی نوشته است

علیشاه محمد قاسم معروف بملاء منجم، مختصری از زیج ایلخانی مشتمل بر دو اصل و چندین باب برای وزیر محمد بن احمد تبریزی تألیف نموده است مؤلف مطارح الانظار می نویسد مورخین فرنگ در سال ۱۰۶۳ هجری در لندن جدول طول و عرض را از روی زیج ایلخانی ترجمه و نشر نموده اند

وفات خواجه نصیرالدین طوسی

دانشمند طوسی در سال ۶۷۲ با جمعی از علماء از مراغه بیقناده مسافرت کرد و بموقوفات سرکشی نمود و حقوق فقها و مدرسین و صوفیه را معین کرد و پس از یکماه توقف اجل او را درک کرد علاء الدین محمد جوینی صاحب دیوان و سایر بزرگان جنازه او را تشییع نمودند و بر حسب وصیت ویرا در جوار امام موسی کاظم علیه السلام در سرداب مخصوصی که ناصر بالله خلیفه عباسی برای خویش ترتیب داده بود ولی نصب او نشده بود دفن گسردند شمرا در

فوت او مرتبه گفتند از جمله بهاءالدین اربلی که در آن سال وفات کرده بود گوید :

ولما قضی عبدالعزیز بن جعفر وارد نه رزه النصیر معبد
جزعت لفقدان الاحباء و انبرت شتونی کمرافض العمان المبهدد
حد الله مستوفی در تساریخ وفات خواجه طوسی این رباهی را
گفته است

نصیر ملت و دین پادشاه کشور فضل یگانه که چو او مادر زمانه نژاد
بسال ششصد و هفتاد و دو بدی الحجه بروز هیجدهم در گذشت در بشداد
در کتاب مسامرة الاخبار و مسابره الاخبار این رباهی در تاریخ رحلت آن
دانشمند جهانی ذکر شده است .

هیجدهم از ماه ذی الحجه دوشنبه وقت شام
سال هجرت ششصد و هفتاد و دو ناقص نه تام

خواجه عالم نصیر دین طوسی از قضا
نقل کرد از خطه بشداد تا دار السلام

بایان

جلال الدین محمد مولوی بلخی (۶۰۴-۶۸۲)

معنی و معنی

معنی در نیم شب جایی رسید در بین دیوار مستی خفته دیده
گفت : می مستی چه خوردستی بگو گفت ازین خوردم که هست اندر سبو
گفت : آخر در سبو واگو که چیست گفت ازینکه خورده ام گفت این خفیت
گفت : از آنکه خورده ای آن چیست آن گفت : آن کاندلر سبو مغفیت آن
دور میشد این سوال و این جواب مساند چون غم معنی اندر خلاب
گفت او را معنی : این آه کن مست هو هو کرد هنگام سخن
گفت : گفتیم آه کن ، هو میکنی ! گفت من شادم تو از غم دم زنی
آه از درد و غم و بیدادی است هوی هوی می خوران از شادی است
معنی گفت این ندانم ، خیز خیز مصرفت بتراش و بگذار این ستیز
گفت : رو ، تو از کجا ، من از کجا گفت : مستی ، خیز تا زندات بیا
گفت مست : ای معنی بگذار رو از برهنه گی توان بردت گرو
گر سرا خود طاق رفتن بسدی خانه خود رفتی وین کسی شدی

من اگر با عقل و با امکانی

مچو شیطان بر سر دکانی